

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

استدلال مرحوم علامه رضوان الله تعالى عليه بر عدم تحريف قرآن را ملاحظه فرموديد. خصوصيت و ويژگي اين استدلال در اين بود که مرحوم علامه به مجموعه اوصافي که در باب تحدی - که اين مجموعه اوصاف نیز مربوط به مجموعه قرآن کریم است - استدلال فرمودند؛ و بيان داشتند همان اوصافي که در زمان نزول، قرآن با آن اوصاف تحدی کرده است، هم اکنون نیز همین ملاک تحدی در قرآن وجود دارد.

بيان آيت الله جوادى در مورد استدلال مرحوم علامه

استاد بزرگوار محافظه الله، در کتاب نزاهت قرآن از تحريف، ابتدا خصوصياتی را نسبت به اين استدلال مرحوم علامه بيان می کنند که مهمترين آنها اين است که استدلال به آيات ذکر « إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ »، یا « لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ » بر عدم تحريف، استدلال به عموم یا اطلاق اين آيات است، و اين عموم و اطلاق، از مصاديق ظواهر ظنيّه هستند؛ اما ظواهری که حجيت دارند. اما اين استدلال، استدلال به یک دليل قطعی بر عدم تحريف قرآن است؛ يعنی وقتی که می فرمايند مجموعه قرآن اوصافي را دارد، اين اوصاف در مقام تحدی هم هست؛ دلالتش بر اين مدعا اگر دلالت داشته باشد، یک دلالت قطعی است. ايشان در مطلب سوم صفحه 82 فرموده اند: اين دلالت، دلالت قطعی است نه ظنی؛ زیرا، بيان کننده ی زبان حال سر تا سر آيات قرآن است، چون هر ادعای آن با شاهد آسمانی همراه است. پس، تمام ادعاهای قرآن با بينه و برهان همراه است و تنها به ظاهر اطلاق یا عموم یا ظن حاصل از جمله یا قرينه ی مخصوص استناد نشده است.

اين شايد مهمترين نکته ای باشد که در اين پنج شش مطلب در اینجا بيان فرمودند. اول همین را بررسی کنیم تا برويم سراغ اشکالی که ايشان بر علامه دارند. عرض کردیم فرق بين استدلال ديگران و استدلال مرحوم علامه در اين است که مرحوم علامه روی یک آيه ی خاص، روی یک عبارت خاص تکیه نکرده اند، می فرمايند قرآن اوصافي دارد، ده تا صفت، با اين اوصاف در مقام تحدی برآمده و الآن هم می بينيم همه ی آن اوصاف موجود است و با آنها می توان تحدی انجام داد. اما آیا به اين معناست که اين دلالت قطعی بشود؛ يعنی اگر ما گفتيم در قرآن صد آيه داریم، عرض می کنم که اينها هر کدام اوصافي را برای اين قرآن ذکر کرده اند، مثلاً «عربی مبين»، «ذکر»؛ «لو كان من عند غير الله لوجدوا فيه خلافاً كثيراً»، از آن عدم الاختلاف استفاده می شود و هم چنين آيات ديگری که ديروز بيان شد. آیا می توانيم بگوئيم اينها مجموعاً یک دلالت قطعی شده؛ اگر اینجا مجموع من حيث المجموع را بخواهيم در نظر بگيريم که هم در اصول و هم در فلسفه می گویند مجموع من حيث المجمع یک امر اعتباری است، و قابل اتصاف به یک وصفی نیست، نمی توانيم بگوئيم اين من حيث المجموع عنوان ذکر را دارد.

یک وصف حقیقی نمی تواند وصف برای یک امر اعتباری باشد، و مجموع من حيث المجموع یک امر اعتباری است. پس، بايد اين را کنار بگذاريم؛ وقتی مجموع من حيث المجموع را کنار گذاشتيم، نتيجه اين است که اين آيات هر کدام صفتی را برای قرآن ذکر می کند که فرمودند: جامع ترين صفت اين است که قرآن، عنوان ذکر را دارد، «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ». حالا صحبت اين است

که آیا دلالت آیه‌ی شریفه بر اینکه قرآن ذکر است را می‌خواهند بفرمایند دلالت قطعی است یا دلالت ذکر بر اینکه این قرآن تحریف نشده قطعی است؟ دلالت آیه بر اینکه قرآن ذکر است، قطعی است، چون نص است. قرآن می‌فرماید این کتاب ذکر است، اما بحث در دلالت ذکر بر مدعاست، ذکر بخواهد بر عدم تحریف قرآن دلالت کند، این دلالت، دلالت ظنی است؛ بلا اشکال ظنی است. «عربی مبین»، عدم وجود اختلاف، اخبار از ملاحن و ستم، اخبار از قصص انبیاء، همه‌ی اینها دلالتش بر ما نحن فیه، یک دلالت ظنی است. لذا، اینکه ایشان می‌فرمایند این دلالت، دلالتی قطعی است نه ظنی.

زیرا، بیان‌کننده‌ی زبان حال سر تا سر آیات قرآن است؛ دلالتش بر اوصاف قطعی است، یعنی چون عنوان نص را دارد، می‌گوید «هذا ذکرٌ، هذا نورٌ، هذا هدیٌّ»، دلالتش بر این عناوین قطعی است؛ اما این محل کلام نیست؛ بحث در این است که دلالت این بر ما نحن فیه چگونه است؟ در مطلب چهارم فرموده‌اند: معیار قرآنی که مسئله‌ی تحریف بر آن عرضه شده، معیار قطعی است نه ظنی؛ یعنی نخست میزان یقینی به دست داده، آنگاه آنچه را که لازم است بر قرآن عرضه شود، نظیر سنت یا به منزله‌ی سنت بر قرآن عرضه کرده است که اینها را خودتان دقت بفرمایید. به هر حال، ما روی صناعت علمی نتوانستیم فرمایش ایشان را بفهمیم که چه می‌خواهند بگویند؛ ما بین اینکه بگوئیم آیه «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ»، دلالت بر عدم تحریف قرآن دارد یا بگوئیم اوصاف عامه‌ی قرآن که در مقام تحدی برآمده، دلالت بر عدم تحریف دارد؛ هر دوی آن دلیل ظنی است، و از مصادیق ظواهر است؛ و از این جهت، فرقی بین اینها نیست. ایشان رعایتاً لحق الاستاد، اول آمده‌اند ابعاد این جواب را ذکر فرموده‌اند، مبانی‌اش را ذکر فرموده‌اند، و تقریباً یک اهتمام خاصی برای این جواب قائل شدند، که عرض کردم مهمترین نکته‌اش قطعی و غیر قطعی بودن است. البته نکته‌ی مهم دیگری هم می‌فرمایند: چون روش‌شان در تفسیر قرآن به قرآن است، برای کشف علوم قرآن هم از قرآن استفاده کرده‌اند. فقط برای تفسیر آیات قرآن از قرآن استفاده نمی‌کنند، برای کشف علوم قرآن مثل همین عدم تحریف هم از قرآن استفاده می‌کند؛ که این بیان هم یک مقداری اگر بخواهیم دقت کنیم و توقف کنیم، نیاز به تأمل و جای اشکال دارد.

اشکال آیت الله جوادی بر مرحوم علامه

ایشان می‌فرمایند: مرحوم علامه با این استدلال، این مقدار را اثبات کردند که قرآن موجود در زمان ما، کلام خداوندی است؛ اما این را اثبات نکردند که هرچه را که بر قلب مبارک پیامبر نازل شده، در قرآن موجود هست و باید این را اثبات می‌فرمودند؛ و بین این دو فرق هست. یک وقت می‌گوئیم قرآن موجودی که الآن هست، وحی است و این کلام کلام خداوندی است، کلام غیر خدا نیست. این اوصاف عامه در قرآن موجود همه هست، اما این به درد مدعا نمی‌خورد. مدعا این است که هر آنچه که بر پیامبر صلوات الله علیه به عنوان القرآن نازل شده، همه‌ی آنها در این قرآن موجود است و این استدلال، این را اثبات نمی‌کند. البته لب اشکالشان این است که در اول شروع اشکال چند تعبیر دارند که این تعبیر روشن نیست، فرموده‌اند: اشکال استدلال علامه این است که از قبیل تمسک به عام در شبهه‌ی مصداقیه است؛ یعنی ما الآن شک کردیم این قرآن موجود ذکرٌ، می‌گوئیم چون خدا در اول فرموده «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ»، پس حالا شک می‌کنیم این ذکرٌ؟ تمسک به آن کرده، کجای استدلال علامه این چنین بود. روی این عبارت، باز ما هرچه دقت کردیم، نتوانستیم یک بیان و وجه قابل ذکری برایش بیان کنیم که چگونه این تمسک به عام در شبهه‌ی مصداقیه عام است.

بعد فرموده‌اند: این استدلال یک دور رقیقی دارد. دور جایی است که دلیلمان عین مدعا باشد، اینجا کجا دلیل مرحوم علامه عین مدعاست؛ مدعا این است که این قرآن، همان قرآن زمان پیامبر است، چرا؟ چون قرآن زمان پیامبر قابل تحدی بود، الآن هم قابل تحدی است؛ از کجای این دور لازم آمد؛ کجای این دلیل عین مدعا شد. لذا، این دو تا عنوان را اول بیان فرموده‌اند و از آن هم خیلی با سرعت رد می‌شوند. حالا عمده‌ی اشکال ایشان در این قسمت است. به نظر ما، آنکه قابل بیان و بحث است، این است که می‌فرمایند: ما می‌خواهیم بگوئیم این قرآن ما، همان قرآن نازل در زمان پیامبر است. این استدلال اثبات می‌کند که این قرآن

کلام خدا هست، قابل تحدی است؛ اما اثبات نمی‌کند که تمام آنچه که بر پیامبر نازل شده، در این قرآن موجود است. مثلاً می‌فرمایند قائلین به تحریف احتمال می‌دهند که در قرآنی که بر پیامبر نازل شده، قضیه‌ی غیبت کبرا، قضایای آخر الزمان، قضیه‌ی حکومت اسلامی حضرت، بیان شده باشد و بعداً اینها تحریف شده باشد. قائل به تحریف احتمال می‌دهد معاد جسمانی، خصوصیاتش، کیفیت معاد جسمانی تصریح شده باشد، و حالا تحریف شده باشد. احتمال می‌دهد که در قرآن شرح مفطرات روزه یا مصادیق زکات، به صورت کامل آمده، تمام موارد زکات ممکن در قرآن نازل بر پیامبر آمده، بعد می‌فرمایند پاسخگویی به این اشکالات مدعیان تحریف آسان نخواهد بود. پس، خلاصه‌ی اشکال ایشان به این معنا برمی‌گردد که ممکن است در زمان نزول قرآن مطالبی بوده که آن مطالب به طور کلی تحریف شده است؛ و این منافاتی هم ندارد که قرآن موجود در زمان ما هم کلام خداوند باشد.

دفاع از مرحوم علامه

ما در اینجا در مقام جواب از این فرمایش و در مقام دفاع از مرحوم علامه این نکته را می‌خواهیم عرض کنیم که: مرحوم علامه می‌فرماید قرآن به راه‌های مختلفی تحدی کرده، به اوصاف مختلفی تحدی کرده - اینجا دقت کنید - یک وقت می‌گفتیم قرآن فقط در بعد فصاحت و بلاغت تحدی کرده نه در سایر جهات، این یک جهت، جهت دیگر این که می‌گفتیم قرآن از حیث عدم وجود اختلاف تحدی کرده. اما آنچه را که مرحوم علامه فرموده، می‌خواهد بفرماید تحدی به نه طریق در قرآن واقع شده، یک طریق آن اخبار از قضایای آتیه است که این در کلمات مرحوم علامه هم بود، یک طریق اخبار از ملاحم و فتن آخر الزمان است، اخباری که بعداً در آینده محقق می‌شود، یک طریقی این است. آیا با وجود این ما می‌توانیم بگوئیم ممکن است در قرآن قضایایی مربوط به غیبت کبرا بوده و حذف شده، اگر باشد که این اخبار یا در آن اختلاف محقق می‌شود یا کذب آن محقق می‌شود یا بالأخره یک نقصانی به اینها وارد می‌شود، می‌فرماید در طول این هزار و چهارصد سال، اخبار مربوط به ملاحم، مربوط به قضایای آخر الزمان یا اخبار مستقبلی، حوادث مستقبلی، یکی پس از دیگری تأیید شده، در مورد معاد جسمانی هم آیاتی وجود دارد که عده‌ای از بزرگان از آنها معاد جسمانی را استفاده می‌کنند؛ بعضی هم می‌گویند نه!

داللت بر معاد جسمانی ندارد. پس، نکته‌ی اولی که می‌خواهیم بگوئیم این است که شما اگر بخواهید بفرمایید فقط به ذکر بودن، خداوند در حال تحدی است، می‌گوئیم «هذا ذکر»، درست است، اما آنچه که از عبارت علامه استفاده می‌شود، این است که قرآن به طرق متعدده تحدی کرده، فصاحت و بلاغت، عدم اختلاف، اخبار، ذکر بودن، نور بودن، تمام اینها و تمام آن طرق الآن موجود است. همه‌ی عرض من این است که اگر تمام طرق تحدی بخواهد الآن موجود باشد، باید یک کلمه هم کم و زیاد نشده باشد. تمام طرق تحدی موجود است، نه فقط یک طریق آن. وقتی تمام طرق تحدی موجود باشد، دیگر نمی‌توانیم بگوئیم ممکن است. اگر این امکان باشد، پس یکی از راه‌های تحدی متزلزل می‌شود. وقتی تمام طرق تحدی موجود شد، می‌گوئیم این قرآن همان قرآن است، در زمان نزول چند راه برای تحدی بوده؛ نه راه، الآن هم همان نه راه موجود است. نه اصل تحدی، نه یک طریق خاص، اگر این طور بود، این اشکال ایشان بر استادشان وارد می‌شد. (سؤال و پاسخ استاد: اگر فرض کنید فقط تحدی قرآن با فصاحت و بلاغت است؛ اگر در طول این هزار و چهار صد سال، واقعاً کلماتی یا آیاتی کم و زیاد شده بود، فصاحت و بلاغتش را از دست می‌داد.

دیگر به راحتی الآن گروهی می‌توانستند بگویند ما مثل این قرآن را می‌توانیم بیاوریم. ما الآن می‌خواهیم راهی را پیدا کنیم که این مثل زمان پیامبر است، راهش چیست؟ بگوئیم پیامبر تحدی کرد از راه فصاحت و بلاغت به شعرا و خطبای عرب، الآن هم ما همین تحدی را می‌کنیم. اگر بتوانند مثل این کلام را بیاورند! اگر فصاحت و بلاغت آن تنزل پیدا کرده بود، کمرنگ شده بود، دیگر قابل تحدی نبود. مثل دوم: عدم وجود اختلاف است؛ پیامبر در زمان خودش فرموده در این کتاب شما هیچ اختلافی نمی‌بینید، هزار و چهارصد سال گذشته هنوز نتوانستند بیابند اختلافی را درست کنند. اگر واقعاً نقصانی در این آیات قرآن بود، حتماً اختلافی محقق می‌شد. جواب دوم که می‌خواهیم عرض کنیم، این است که بالأخره مسئله‌ی تحریف در دایره‌ای است که

احتمال تعریف در آن وجود دارد، الآن هیچ کسی نمی‌گوید که من در باب تحریف احتمال می‌دهم خداوند آجال مردم را هم در قرآن ذکر کرده بوده.

قرآن بنایش این بوده که یک امور کلی را ذکر کند، راجع به آخر الزمان و «إِنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادُ الصَّالِحِينَ» بیان فرموده است؛ اما جزئیاتش، خصوصیاتش را ذکر نکرده است؛ در باب تحریف، کسانی که مدعی تعریف هستند، آنهایی که مبنای روایی دارند که می‌گویند ما هر جایی که روایتی بیاید بگوید که این آیه تحریف شده، این آیه اولش این بوده و حالا این شده است؛ هیچ روایتی نیامده بگوید که راجع به غیبت کبرا و آخر الزمان و حکومت اسلامی در قرآن چیزی بوده است، چنین روایتی نداریم. اگر مبنای روایی را بگیریم، علامه در مقابل اینها می‌گوید شما جاهایی که می‌گویید این آیات بوده و حذف شده، کدام یک از راه‌های تحدی قرآن الآن صدق نمی‌کند؟ همه‌اش صدق می‌کند. اما کسانی که مبنای علم اجمالی را دارند و می‌گویند علم اجمالی به تحریف داریم، قطعاً این موارد از دایره‌ی علم اجمالی خارج است. اینکه بگویم من احتمال می‌دهم در زمان پیامبر آجال مردم همه در قرآن آمده بود. آن کسی که می‌گوید من علم اجمالی دارم، می‌گوید اینها خارج از دایره علم اجمالی است، آیات الاحکام مثلاً از دایره علم اجمالی خارج است، دایره‌ی علم اجمالی ممکن است فقط بعضی از شئون امامت و ولایت را شامل شود؛ هیچ وقت نمی‌گوید علم اجمالی من شامل این است که ممکن است خصوصیات معاد جسمانی یا خصوصیات زکات در قرآن آمده باشد. هیچ کسی نمی‌گوید علم اجمالی ما این مواردی را که از آیات الاحکام است را شامل می‌شود.

بنابراین، این دو جواب را ما می‌توانیم به ایشان در اینجا عرض کنیم. به نظر ما، فرمایش مرحوم علامه فرمایش متینی است، هرچند که والد راحل ما (رضوان الله علیه) اشکالی بر مرحوم علامه در کتاب **مدخل التفسیر** دارند؛ اما استدلال مرحوم علامه با این دو جوابی که ذکر کردیم، استدلال تامی است؛ و ما هم استدلال به آیات را قبول کردیم و هم استدلال مرحوم علامه را. دلیل بعدی در بحث عدم تحریف، دلیل روایی است که اگر آقایان تشریف می‌آورند تا روز دوشنبه که ما دو سه جلسه باید راجع به حدیث ثقلین صحبت کنیم بر اثبات عدم تحریف؛ اگر هم امتحاناتشان هست که بگذاریم برای سال آینده. منتهی سال آینده ما بحث تحریف را دنبال نمی‌کنیم. به حسب بحث اصول، بحث ظواهر تمام شد، و می‌رسیم به اول حجیت قول لغوی. حجیت قول لغوی و اجماع منقول و شهرت را باید بحث کنیم که شاید در یکی دو هفته هم آن شاء الله انجام بشود، و بعد از آن وارد بحث مهم خبر واحد می‌شویم آن شاء الله.

توصیه در مورد استفاده از فرصت تعطیلی تابستان

نکته‌ای که می‌خواهم در اینجا به آقایان عرض کنم، این است که از تابستان به نحو احسن استفاده کنید. کسانی که بالأخره در مسائل علمی به جایی رسیدند و ذهنشان ذهن علمی شد و قدرت علمی پیدا کردند، کسانی بودند که واقعاً علم را با علاقه، با میل دنبال می‌کردند؛ اینطور نبود که حالا وقت تحصیلی و تعطیلی‌شان با هم فرق کند. در تابستان واقعاً برای خودتان برنامه بگذارید. اولاً بهترین کار این است که یک دوره مباحث سال گذشته را مرور کنید. الآن ذهنتان یک مقداری آشناست، یک دوره، نه برای امتحان، بلکه برای اینکه در ذهن خودتان جا بگیرد، مطالب را مرور کنید. بعضی از آقایان فرمودند: بعضی از دوستان آمدند درس و بعد دیگر نیامدند؛ گفتند درس سنگین است. ببینید ما واقعه‌ی بحث را می‌توانیم خیلی فشرده و خلاصه و ساندویچی (به قول امروزی‌ها) بیان کنیم و رد بشویم. دوره‌ی اصول را با چند سال بگذرانیم؛ ولی به فهم قاصر خودم این را اجحاف بر آقایان می‌دانم.

ما در سال گذشته بحث مهم جمع بین حکم ظاهری و واقعی را به صورت مفصل بیان کردیم؛ هر کدام از آقایان می‌توانند آن را به عنوان یک رساله‌ی عمیق اصولی تحریر کنند و نظریه‌ی خودشان را هم بیان کنند؛ و از بحث‌هایی است که بسیار مفید است. سعی ما بر این است که بحث عمیق باشد، به نظر خود من، با بعضی از رفقا هم که صحبت کردم، خودشان هم می‌فرمایند که ما ذهنمان را احساس می‌کنیم قوی‌تر می‌شود. اگر واقعاً در هر درسی دیدید در پایان سال یا بعد از گذشتن دو سه ماه فضای

ذهنی‌تان عوض شده، بدانید آن درس برایتان مؤثر شده، اما اگر دیدید که هیچ فضای ذهنی و قدرت علمی‌تان عوض نشده، آن درس برایتان فایده‌ای نداشته است؛ ولو خیلی مرتب نوشته شده باشد ولو جزوه به آقایان داده شده باشد. لذا، بنای ما بر این است، و من توصیه‌ام این است که آقایانی که روی مباحث کار می‌کنند، یک مقداری تحمل داشته باشند. این روش بحثی که ما داریم، اگر واقعاً کسی چهار پنج سال مرتب و منظم کار کند، به اعتقاد من خودش صاحب‌نظر می‌شود؛ می‌تواند به راحتی در مسائل نظر بدهد؛ نظرات دیگران را می‌تواند تأیید کند یا اشکال کند. اما اگر این روش نباشد، همان روش فشرده باشد، پنجاه سال هم در درس شرکت کنید، قدرت علمی پیدا نمی‌کنید. لذا محور و ملاکتان این باشد که مسائل را خوب هضم کنید. کار دوم هم این است که مطالبی را که ما نگفتیم، بروید آنها را پیدا کنید، و در دفترتان یادداشت کنید. که خود این نکته‌ی بسیار مهمی است. ان شاء الله امیدواریم تابستان علمی خوبی داشته باشید. ماه رمضان نیز ان شاء الله یکی از مباحث قواعد فقهیه را در دفتر مرحوم والد خواهیم داشت. و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين.